

حادثه‌ها

قاتلی پای چوبه دار بخشیده شد

● حکم قصاص قاتلی که صبح روز شنبه در گلیپاکان در آستانه اجرا بود با بخشش خانواده مقتول متوقف و او از پای چوبه دار پایین آورده شد. فرمانده انتظامی شهرستان گلیپاکان اعلام کرد: حکم قصاص قاتل ۲۲ساله‌ای که چهار سال پیش اقدام به قتل کرده بود، بامداد شنبه با حضور نیروهای انتظامی، مسئولان قضائی و اداری این شهرستان و مردم در شرف اجرا بود. سرهنگ حسین بساطی افزود: در حین اجرای حکم با مذاکرات فراوان با خانواده مقتول و در لحظه آخر که طساب اعدام دور گردن قاتل آویخته شده بود، متهم از طرف اولیای دم مورد بخشش قرار گرفت و از چوبه‌دار نجات یافت. وی اظهار کرد: به لطف خدا و اقدام خانواده مقتول، عملیات اجرای حکم در امنیت کامل و بدون هیچ‌گونه مسئله خاصی پایان یافت و مردم حاضر در صحنه محل را ترک کردند. نجفعلی علیانی، دادستان گلیپاکان، افزود: این حکم در مدیانی در حومه شهر گلیپاکان در حال اجرا بود که با بخشش خانواده مقتول، قاتل از پای چوبه‌دار پایین کشیده شد.

دستگیری جاعلان

پایان کار ساختمان‌ها

● جانشین فرمانده انتظامی استان تهران از دستگیری اعضای باند جاعلان حرفه‌ای پایان کار ساختمان‌ها در اسلامشهر خبر داد. سرهنگ «کلزاری» گفت: در پی دریافت اطلاعاتی مبنی بر جعل مدارک پایان کار ساختمان‌ها در اسلامشهر، موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. وی افزود: پس انجام اقدامات اطلاعاتی و تحقیقات گسترده، سرانجام مأموران موفق به شناسایی دو متهم که اقدام به جعل مدارک می‌کردند، شدند. این مقام انتظامی ادامه داد: پس از شناسایی محل فعالیت متهمان، مأموران پلیس آگاهی در عملیاتی ویژه دو متهم را با هماهنگی قضائی دستگیر کرده و به پلیس آگاهی انتقال دادند. سرهنگ کلزاری تصریح کرد: در بازجویی‌های تخصصی پلیس، متهمان در مواجهه با ادله موجود و شناسایی شاکیان، به جرم خود اعتراف و اذعان کردند تاکنون مبلغ سه‌میلیارد و ۷۰۰ میلیون ریال بابت جعل گواهی پایان کار ساختمان از شهروندان دریافت کرده‌اند. متهمان پس از تشکیل پرونده، به مرجع قضائی معرفی شدند.

شرق: نوجوان اردبیلی که مدعی است برای جلوگیری از تعرض مرتکب قتل شده، وقتی مقابل قاضی دادگاه قرار گرفت جزئیات حادثه را توضیح داد. به گزارش خبرنگار ما، تیرماه سال گذشته خانواده پسر نوجوانی او را به پلیس معرفی کردند و گفتند فرزندشان مرتکب قتل شده است. این نوجوان به مأموران گفت جوانی را نزدیک باشگاه ورزشی به قتل رسانده است. او گفت: بعد از پایان مسابقه فوتسال از ورزشگاه بیرون آمدم و به سمت خانه حرکت کردم. برای دیدن بازی رفته بودم. جوانی چند قدم همراه من آمد بعد که جمعیت کم شد بیشتر به من نزدیک شد، به‌شدت بوی الکل می‌داد و من متوجه شدم مست است. او یک‌باره چاقویی درآورد و جلو شکم من گذاشت، می‌خواست من را وادار کند با او رابطه داشته باشم. قبول نکردم اما وقتی دیدم جانم در خطر است گفتم به شرطی که چاقو را کنار بگذارم قبول می‌کنم. وقتی چاقو را زمین انداخت، آن را برداشتم. در یک لحظه به سستم آم و دست به کمربند من انداخت و رها نمی‌کرد. من هم با چاقو زدمش و بعد هم فرار

کردم. موضوع را به خانواده‌ام گفتم و پدرم من را به پلیس معرفی کرد. مأموران جسد را پیدا کردند و به دستور بازرس به پزشکی قانونی انتقال دادند. بررسی‌ها نشان داد مقتول پسر جوانی حدودا ۲۱ساله است که در مرخصی از زندان به سر می‌برده و به اتهام ضرب‌وجرح در زندان بوده است. وقتی مأموران خانواده او را باخبر کردند، هویت جسد مورد تأیید قرار گرفت و رسیدگی به پرونده ادامه پیدا کرد. پسر نوجوان در ادامه اعتراف‌اتش گفت: من اصلا پسر جوان را نمی‌شناختم چون هیکلش از من بزرگ‌تر بود، او را زدم وگرنه اصلا چاقویش را هم از زمین بر نمی‌داختم. او به من گفت می‌خواهد به من تعرض کند، اول التماسش کردم، وقتی راضی نشد، به او گفتم چاقو را زمین بگذار. وقتی دست به کمربندم انداخت، من با چاقویی که از زمین برداشته بودم چند ضربه به بدنش زدم، البته ضربات خفیف بود چون نمی‌خواستم او را بکشم، فقط می‌خواستم او را از خودم دور کنم. سعی کردم فرار کنم، نشد. کمربندم را رها نمی‌کرد، به‌شدت بوی الکل می‌داد و معلوم بود در حال خودش نیست، من

حوادث

متهم نوجوان در دادگاه ادعا کرد

قتل را برای دفاع از خودم انجام دادم

هم راهی نداشتم به‌جز اینکه ضرباتی کاری‌تر بزنم. وقتی روی زمین افتادم، موضوع را به خانواده‌ام اطلاع دادم. گفته‌های پسر نوجوان در حالی بود که پزشکی‌قانونی تأیید کرد در خون مقتول مقداری الکل وجود داشته است که از میزان طبیعی بیشتر و البته از نوع خاصی بوده است. با توجه به این نظریه و با توجه به گفته‌های متهم و سایر مدارک، کیفرخواست علیه نوجوان ۱۷ساله صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری شماره یک اردبیل ارسال شد. روز گذشته در جلسه رسیدگی به این پرونده بعد از اینکه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و اولیای‌دم درخواست قصاصی کردند، متهم در جایگاه ایستاد. او یک‌بار دیگر گفت که به عمد مرتکب قتل نشده و اگر راهی برای فرار داشت دست به قتل نمی‌زد. او گفت: من چاره‌ای نداشتم، مقتول رهایم نمی‌کرد و دستش را از کمربندم ول نمی‌کرد، هیکلش از من بزرگ‌تر بود. اول چند ضربه کوچک زدم، اما او جری‌تر شد و بیشتر به من حمله کرد. در تاریکی شب و تنهایی با کاری که می‌خواست بکند خیلی ترسیده بودم و نمی‌توانستم کار دیگری بکنم. ما

هیچ درگیری‌ای با هم نداشتیم، من اصلا او را نمی‌شناختم و نمی‌دانستم که چه کسی است، اگر راهی بود این کار را نمی‌کردم. سپس عبدالصمد خرمشاهی، وکیل‌مدافع متهم، در جایگاه حاضر شد. او در دفاع از موکلش گفت: عملی که این پسر نوجوان انجام داده، مطابق ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی است و او از خودش دفاع مشروع کرده است. ساعت ۱۱ شب در خلوتی خیابان کسی نبوده است. مقتول دست در کمربند متهم انداخته و قصد داشته او را وادار به تمکین کند درحالی‌که متهم قصد فرار داشته و با آن وضعیت امکان‌پذیر نبوده است. ضمن اینکه به مأموران امنیتی هم دسترسی نبوده است. متهم پسری نوجوان است که درگیری یا خصومت قبلی هم با مقتول نداشته و آنها اصلا آشنایی‌ای با هم نداشته‌اند. وی گفت: من از دادگاه درخواست دارم به سوابق متهم کمربندم ول نمی‌کرد، هیکلش از من بزرگ‌تر بود. اول چند ضربه کوچک زدم، اما او جری‌تر شد و بیشتر به من حمله رسیدگی، هیات قضات برای تصمیم‌گیری در این‌باره وارد شور شدند.

گفت‌وگو با جوانی که از خانه پیرزنی سرقت کرد

کارهایم دست خودم نبود

سرفت از خانه اوست؟

من نردم، ممکن است برای کنترل و ساکت‌شدنش او را گرفته باشم تا آرام شود و در همان موقع اذیت شده باشم، اما من به او دست نردم. جایگاه را مدیون مشاوره و منابع رفیق‌های بچگی‌ام نشسته بودم سر قاشق دست‌گرفتن یا چیزهایی این‌جوری، با من شوخی کردند و به من خندیدند که یک دفعه قاطی کردم و در یک ثانیه بدون اینکه به عاقبت کار فکر کنم دعوا به راه انداختم.

ک در این سرقت انگیزه مالی وجود داشت؟

دوستم می‌دانست دست‌وپالم خالی است و وقتی به من گفت، گفتم شاید با این کار بتوانم بخشی از کمبودها را جبران کنم.

ک یعنی هرکس با مشکل مالی داشت، باید دزدی برود؟

کار درست و حسابی‌ای نیست. من شب و روز کار می‌کنم و ماهی فقط ۷۰۰ هزار تومان درآمد دارم. با ماشین هم کار می‌کردم و روزی ۳۰ هزار تومان درآمد داشتم، اما ۲۵ هزار تومان پول بئزنی می‌ادم حالا پول

استهلاک ماشین به‌کنار. **ک همه اینها قبول، اما دلیل می‌شود به مال مردم دست‌درازی کنی؟**

شما همین را بنویس که اشتباه کردم و دیگر تکرار نمی‌کنم. به‌رحال هرکس عقیده‌ای دارد. دوستم گفت بیا برویم و من هم رفتم درنهایت هم قرار

ک قبل از هر چیز خودت را معرفی کن.

علی هستم، بچه شاه‌عبدالعظیم و ۲۴ سال دارم، سابقه هم ندارم.

ک چرا در بازداشت اداره آگاهی هستی؟

به خاطر سرقت.

ک چطور تصمیم گرفتی سرقت انجام بدهی؟

یکی از دوستانم به من گفت بیا برویم سرقت ولی من از جزئیات ماجرا خبر نداشتم و نمی‌دانستم جایی که قرار است از آنجا دزدی کنیم خانه مادربرزگش است. فقط به من گفت خانه‌ای هست که پول دارد و من هم با او رفتم.

ک این دوست را از کجا می‌شناختی؟

پنج، شش ماه پیش از طریق یکی از دوستانم با او آشنا شدم.

ک شغل چیست؟

انباردار بودم.

همیشه مجبور بودم همراه با تحصیل کار کنم، چون به کار کردن و کسب درآمد خیلی احتیاج داشتم و همیشه بیشتر از تحصیل مجبور بودم به کار اهمیت بدهم به همین دلیل در دوران دبیرستان نمرات خوبی کسب نمی‌کردم. نمره شیمی من ۱۲، فیزیک ۱۴ و زیست ۱۳ بود و به طور کل دانش‌آموز خوبی محسوب نمی‌شدم مادرم همیشه از این موضوع نگران و ناراحت بود و همیشه دوست داشت من در مدرسه شاگرد اول باشم آن روزها هر وقت با مادرم به میدان انقلاب می‌رفتم، از جلوی دانشگاه تهران رد می‌شدیم و مادرم به من می‌گفت همیشه آرزو دارم تو را در مقام یک دانشجوی دانشگاه تهران ببینم. خیلی دوست داشتم به آرزوی مادرم جامه‌ی عمل بپوشانم، مادری که در طی این سال‌ها تلاشش را کرده بود تا هرگز جای خالی پدرم را احساس نکنم و اکنون نوبت من بود که او را خوشحال کنم اما با نمرات و وضعیت تحصیلی که داشتم انگار رسیدن به دانشگاه تهران برای من یک رویای دست نیافتنی بود.

۱. ارسال کنکور تان برای‌ام بگویید؟

خب، سال کنکور با تمام قوا درس خواندن را آغاز کردم. با خودم عهد بسته بودم با رسیدن به دانشگاه تهران قلب مادرم و روح پدرم را شاد کنم. هر روز صبح با عشق دانشگاه تهران از خواب بیدار می‌شدم و هر شب با فکر رسیدن به آن به خواب می‌رفتم. خیلی درس می‌خواندم اما انگار هر چه بیشتر تلاش می‌کردم، کمتر نتیجه می‌گرفتم. زمان بی‌رحمانه می‌گذشت و هر چه بیشتر پیش می‌رفت بیشتر می‌دیدم که تا دانشگاه تهران خیلی فاصله دارم. دیگر خسته شده بودم مگر چند بار می‌شد شروع کرد و شکست خورد، حال خیلی بدی داشتم، بیشتر فکر من شده بود پیدا کردن توجیهی برای نتیجه نگرفتن در کنکور. به نظرم سخت‌ترین قسمت آن روزها این بود که حاضر بودم برای رسیدن به دانشگاه تهران هر کاری بکنم اما واقعیت این بود که با رتبه‌هایی که من در آزمون‌ها کسب می‌کردم رسیدن به دانشگاه سراسری هر غیر ممکن بود.

۲. بالاخره به دانشگاه تهران رسیدند؟
بله، روز اعلام نتایج بهترین روز زندگی من بود وقتی که درصدهای دروس خود را به مادرم نشان دادم احساس غرور و افتخار می‌کردم، زمانی که مادرم دید صغیف‌ترین درس خودم دوران کنکور خود یعنی عربی را صددرصد زده بودم باورش نمی‌شد که این همه تغییر کردم، خلاصه نتایج نهایی اعلام شد و من میل آمین دهقان به آرزوی همیشگی خود دانشگاه تهران رسیدم، به نظرم شیرین‌ترین لحظه زندگی هر فرد زمانی است که اشک شوق را در چشمان مادرش می‌بیند و من این لحظه را تجربه کردم.

۳. چه اتفاقی افتاد که سرانجام دانشگاه تهرانی شدید؟
بله، قبل از کنکور استاد به من می‌گفت تو باید در دانشگاه هم بهترین باشی و با تکنیک‌هایی که برای مطالعه کردن آموخته بودم سرانجام در کنکور ارشد هم خوش درخشیدم و به آرزوی خود MBA دانشگاه تهران، دانشگاه محبوبم رسیدم.

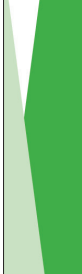
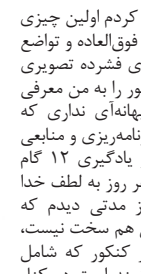
۴. از چه زمانی تصمیم گرفتید مشاور و برنامهریز کنکور شوید؟

از سال کنکور، نذر کردم که اگر به آرزوی خود رسیدم به داوطلبان کنکور کمک کنم تا آنها هم به رشته و دانشگاه مورد علاقه خود برسند. از همان سال اول دانشگاه کار مشاوره را آغاز کردم و به لطف خدا طی این ده سالی که در این زمینه فعالیت داشتم توانستم بسیاری از داوطلبان را به برترین دانشگاه‌های کشور برسانم.

برای ارتباط با میلاد امین دهقان و تیم ۱۰۰ تماس بگیرید



و به من گفت استاد احمدی، خیلی به او کمک کرده و او این درسی استاد احمدی است.



بله، زمانی که با استاد صحبت کردم اولین چیزی که مرا تحت تأثیر قرار داد انرژی فوق‌العاده و تواضع مثال‌زدنی او بود، استاد با لوح‌های فشرده تصویری تدریس برجسته‌ترین اساتید کشور را به من معرفی کردند و به من گفتند دیگر بهانه‌ای ندارای که بگوییم امکانات من کم است یا برنامه‌ریزی و منابعی که استاد در اختیارم قرار داد و یادگیری ۱۲ گام موفقیت در کنکور می‌آیدم که هر روز به لطف خدا بیشتر پیشرفت می‌کنم. بعد از مدتی دیدم که دستیابی به دانشگاه تهران خیلی هم سخت نیست، اگر سه راس مثلث موفقیت در کنکور که شامل تلاش، برنامه‌ریزی و منابع قدرتمند است در کنار هم باشند قطعاً موفقیت در کنکور و امتحانات به دنبال آن خواهند آمد.

۵. بالاخره به دانشگاه تهران رسیدند؟
بله، روز اعلام نتایج بهترین روز زندگی من بود وقتی که درصدهای دروس خود را به مادرم نشان دادم احساس غرور و افتخار می‌کردم، زمانی که مادرم دید صغیف‌ترین درس خودم دوران کنکور خود یعنی عربی را صددرصد زده بودم باورش نمی‌شد که این همه تغییر کردم، خلاصه نتایج نهایی اعلام شد و من میل آمین دهقان به آرزوی همیشگی خود دانشگاه تهران رسیدم، به نظرم شیرین‌ترین لحظه زندگی هر فرد زمانی است که اشک شوق را در چشمان مادرش می‌بیند و من این لحظه را تجربه کردم.

۶. آموزه‌های استاد احمدی در دانشگاه هم به شما کمک کرد؟

بله، قبل از کنکور استاد به من می‌گفت تو باید در دانشگاه هم بهترین باشی و با تکنیک‌هایی که برای مطالعه کردن آموخته بودم سرانجام در کنکور ارشد هم خوش درخشیدم و به آرزوی خود MBA دانشگاه تهران، دانشگاه محبوبم رسیدم.

۷. از چه زمانی تصمیم گرفتید مشاور و برنامهریز کنکور شوید؟

از سال کنکور، نذر کردم که اگر به آرزوی خود رسیدم به داوطلبان کنکور کمک کنم تا آنها هم به رشته و دانشگاه مورد علاقه خود برسند. از همان سال اول دانشگاه کار مشاوره را آغاز کردم و به لطف خدا طی این ده سالی که در این زمینه فعالیت داشتم توانستم بسیاری از داوطلبان را به برترین دانشگاه‌های کشور برسانم.

برای ارتباط با میلاد امین دهقان و تیم ۱۰۰ تماس بگیرید

و تیم ۱۰۰ تماس بگیرید

موفق باشید.

به‌نام خداوندی که‌مهر‌باترین‌است

خواستن، توانستن است؛ خواستم و رتبه ۱ شدم...



دکتر. هما فرهادی فرد زیندبخت ارتودنسی دانشگاه تهران رتبه ۱ دانشکده

خواهر خانم سال سوم دبیرستان بود و آرزوش رشته داروسازی! ایشون هم خیلی زحمت می‌کشید و به عالمه استرس داشت که نکنه در رشته داروسازی پذیرفته نشه، باز هم خدا رو شکر که ایشان هم با تلاش بسیار خوش و با صحبت‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که واسش انجام دادم، توانست در رشته داروسازی دانشگاه سراسری پذیرفته شود و باعث افتخار ما شود.

در حال حاضر اینها هم فوق‌لیسانس دانشگاه و هدایت پایان‌نامه‌های فوق‌لیسانس این افتخار را دارم که در انتشارات گیلنا در کنار استاد حسین احمدی انجام وظیفه کنم و به مشاوره و راهنمایی داوطلبان کنکوری بپردازم. همچنین شیمی را ناب تدریس کرده‌ام. داخل لوح‌های فشرده‌ی شیمی، درسنامه‌ای کامل و جامع مطرح کرده‌ام، ۲۰ سال کنکور رو تست حل می‌کنم، حتی تست‌های المپیاد شیمی رو نیز حل کرده‌ام و کاری کرده‌ام که داوطلب عزیزمان روی مباحث شیمی مسلط شوند و با اوج قدرت شیمی‌رو ۱۰۰ بزنند.

تخصصی درس بخونم و کمبودها و نقص‌های دوره دبیرستانم رو برطرف کنم.
دیگه نمی‌خواستم شکست بخورم. باز هم تلاش تلاش تلاش و این بار کاملاً حرفه‌ای و مجرب.

مقطع کارشناسی ارشد و دکتری

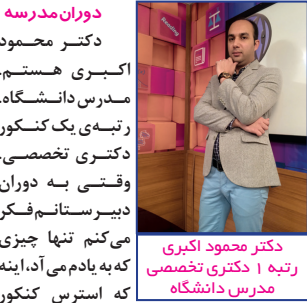
به لطف خدا رتبه ۱۵ کنکور کارشناسی ارشد رو کسب کردم اما این واسم کافی نبود. از همون ترم اول کارشناسی ارشد به کنکور دکتری تخصصی فکر می‌کردم. از صبح تا شب سالن مطالعه بودم و فقط درس می‌خوندم. ناهار رو هم توی سالن مطالعه می‌خوردم! آنقدر تلاش می‌کردم که باعث تعجب دوستان و آشنایانم بود. خدا رو شکر طی ۲ سال مقطع فوق‌لیسانس رو تموم کردم و با گفتن لاحول‌ولاقوه‌ای‌ها!... سر جلسه کنکور دکتری تخصصی حاضر شدم. این بار از تکنیک‌های ۱۲ گام موفقیت در کنکور استفاده کردم و هدفم فقط رتبه ۱ شدن بود تنها چیزی که می‌تونم بگه اینه که عالی بود! رتبه ۱ کنکور شدم. سریع به بابا، مامانم زنگ زدم و بهشون خبر دادم. درسته که خیلی زحمت کشیدم و تخصصی درس خوندم ولی واقعا لطف و کمک خدا بود که توانستم رتبه ۱ بشم.

زکات علم

می‌کن زکات علم در نشر اوست؛ من هم از همان موقع به خودم قول دادم تا اونجا که می‌توانم داوطلب‌های کنکوری رو کمک کنم

و تجربیاتم رو در اختیارشان قرار دهم و باعث قبولی‌شان در کنکور شوم. تا امروز داوطلب‌های زیادی داشتم. خیلی‌هاشون به لطف خدا رتبه برتر شدن و به آرزوشون یعنی دندانبزرگی، داروسازی، پزشکی، برق، مکانیک، حقوق، روانشناسی و... رسیدند. دانشجوی دکتری بودم که ازدواج کردم. اون موقع همسرم سال ۵ دندانبزرگی بود. به لطف خدا، با سختکوشی‌ها و تلاش‌های وصف‌ناپذیر همسرم و مشاوره‌ها و برنامهریزی‌هایی که من واسش انجام می‌دادم، همسرم توانست در کنکور تخصص دندانبزرگی بخونم و در رشته ارتودنسی دندانبزرگی دانشگاه تهران (پرمتمناضی‌ترین رشته‌ی تخصصی دندانبزرگی) پذیرفته‌بشه.

وقتی که من و همسرم ازدواج کردیم،



دکتر محمود اکبری رتبه ۱ دکتری تخصصی مدرس دانشگاه

تخصصی درس بخونم و کمبودها و نقص‌های دوره دبیرستانم رو برطرف کنم. دیگه نمی‌خواستم شکست بخورم. باز هم تلاش تلاش تلاش و این بار کاملاً حرفه‌ای و مجرب.

مقطع کارشناسی ارشد و دکتری

به لطف خدا رتبه ۱۵ کنکور کارشناسی ارشد رو کسب کردم اما این واسم کافی نبود. از همون ترم اول کارشناسی ارشد به کنکور دکتری تخصصی فکر می‌کردم. از صبح تا شب سالن مطالعه بودم و فقط درس می‌خوندم. ناهار رو هم توی سالن مطالعه می‌خوردم! آنقدر تلاش می‌کردم که باعث تعجب دوستان و آشنایانم بود. خدا رو شکر طی ۲ سال مقطع فوق‌لیسانس رو تموم کردم و با گفتن لاحول‌ولاقوه‌ای‌ها!... سر جلسه کنکور دکتری تخصصی حاضر شدم. این بار از تکنیک‌های ۱۲ گام موفقیت در کنکور استفاده کردم و هدفم فقط رتبه ۱ شدن بود تنها چیزی که می‌تونم بگه اینه که عالی بود! رتبه ۱ کنکور شدم. سریع به بابا، مامانم زنگ زدم و بهشون خبر دادم. درسته که خیلی زحمت کشیدم و تخصصی درس خوندم ولی واقعا لطف و کمک خدا بود که توانستم رتبه ۱ بشم.

زکات علم

می‌کن زکات علم در نشر اوست؛ من هم از همان موقع به خودم قول دادم تا اونجا که می‌توانم داوطلب‌های کنکوری رو کمک کنم و تجربیاتم رو در اختیارشان قرار دهم و باعث قبولی‌شان در کنکور شوم. تا امروز داوطلب‌های زیادی داشتم. خیلی‌هاشون به لطف خدا رتبه برتر شدن و به آرزوشون یعنی دندانبزرگی، داروسازی، پزشکی، برق، مکانیک، حقوق، روانشناسی و... رسیدند. دانشجوی دکتری بودم که ازدواج کردم. اون موقع همسرم سال ۵ دندانبزرگی بود. به لطف خدا، با سختکوشی‌ها و تلاش‌های وصف‌ناپذیر همسرم و مشاوره‌ها و برنامهریزی‌هایی که من واسش انجام می‌دادم، همسرم توانست در کنکور تخصص دندانبزرگی بخونم و در رشته ارتودنسی دندانبزرگی دانشگاه تهران (پرمتمناضی‌ترین رشته‌ی تخصصی دندانبزرگی) پذیرفته‌بشه.

نتایج کنکور

به هر حال زمان گذشت و نتایج کنکور اومد. من هدفم دانشگاه تهران بود ولی نشد و از مدرسه ما فقط یک نفر قبول شد و اون نفر من بودم دوره‌ی لیسانس رو در دانشگاه بوعلی سینا گذراندم. همیشه خودم رو سرزنش می‌کردم که چرا اینطوری شد. از سال دوم دوره لیسانس تصمیم گرفتم که توکل به خدا بگیرم و خودم رو برای کنکور ارشد آماده کنم و اینبار کاملاً حرفه‌ای و

رخداد

صاعقه جان ۲ نفر را گرفت

● دو جوان اهل روستای کول از توابع بخش سارال شهرستان دیواندره بر اثر برخورد صاعقه جان خود را از دست دادند.
بخشدار سارال دراین‌باره گفت: این دو جوان ۲۵ساله اهل روستای کول از توابع بخش سارال شهرستان دیواندره روز جمعه بر اثر صاعقه جان خود را از دست دادند.
لقمان ایبازی افزود: این دو جوان به کوه رفته بودند و اهالی ابتدا فکر می‌کردند که کم شده‌اند و به‌همین دلیل منطقه را به دنبال آنها جست‌وجو کردند اما جسد دو جوان روستایی بعد از ظهر توسط اهالی محل در کوه‌های اطراف روستا پیدا شد.

کلاهبرداری از سالخوردگان

● عامل چهاره فقره کلاهبرداری اینترنتی از افراد سالخورده و بی‌سواد در شهرستان تربت‌جام توسط پلیس فضای خراسان رضوی شناسایی و دستگیر شد. فرمانده انتظامی شهرستان تربت‌جام با اعلام این خبر گفت: باشکایت چند شهروند مبنی بر کلاهبرداری از آنها توسط مردی جوان در هنگام برداشت وجه از دستگاه عایر بانک، موضوع در دستور کار تیمی از کارشناسان پلیس فتا قرار گرفت. سرهنگ محمد یزدانی افزود: در بررسی اظهارات شاکیان پرونده که اکثر سالخورده و بی‌سواد هستند، مشخص شد مردی جوان با پرسه‌زنی در اطراف دستگاه‌های خودپرداز از نداشتن آشنایی و بی‌سوادی طعمه‌های خود سوءاستفاده کرده و هنگام درخواست برای پرداخت وجه با ایجاد رمز دوم از آنها به صورت سریالی کلاهبرداری کرده است. وی تصریح کرد: کارشناسان پلیس فتا با یک‌سری تحقیقات گسترده فنی، عامل برداشت‌های غیرمجاز را که به شهر مشهد متواری شده بود شناسایی و با نیابت قضائی دستگیر کردند. سرهنگ یزدانی اظهار کرد: متهم ۳۷ساله که به‌تازگی از زندان رها شده است در بازجویی‌های به عمل‌آمده به ۱۴ فقره کلاهبرداری از افراد سالخورده و بی‌سواد هنگام برداشت وجه از دستگاه‌های خودپرداز با ایجاد رمز دوم و خریدهای اینترنتی که عموماً شارژ تلفن همراه و فروش آنها زیر قیمت بازار بود، اکتفا کرد. فرمانده انتظامی شهرستان تربت‌جام با اشاره به معرفی متهم به دادسرا، خاطرنشان کرد: مشکلاتی که شاکیان این پرونده تجربه کردند ناشی از سهل‌انگاری خودشان نسبت به حفظ امنیت و اعتماد بیجا به افراد غریبه بوده است بنابراین شهروندان باید برای پیشگیری از سوءاستفاده، از هرگونه اعتماد بیجا به افراد غیر پرهیز کنند و به صورت دوره‌ای رمز خود را تغییر دهند.

ارتباط تلفنی با استاد حسین احمدی:

ارتباط پیامکی با استاد حسین احمدی:

ارتباط مستقیم با استاد حسین احمدی: ۰۹۱۲ ۱۹۶۵۷۰۲ – ۰۶۶۴۰۹۰۰۷ – ۰۲۱

جهت دریافت ۱۲ گام

رتبه برتر تو کنکور شدن و

مشاوره و برنامهریزی یا اینجانب

و استاد حسین احمدی باشماره ی

تماس بگیرید

و برای دریافت لو‌جهای فشرده

شیمی اینجانب باشماره تلفن

تماس بگیرید